

حضرت عبدالبهاء می فرماید قولاً الاحلی:

"ای رفیق از هر ثیابی برهنه شو و از هر آلایشی مجرد گرد. قمیص نیستی بیوش و بر سریر محویت و فنا جلوس کن. از خدا جز خدا مطلب و از حق به غیر از رضایش مجو."

گلزار تعالیم بهایی ص ۷۳

عنوان : دنیا نمایی است بی حقیقت

قسمت روحانی

- ۱- آیاتی از حضرت اعلی
- ۲- مناجات شروع
- ۳- مناجات دوم
- ۴- آیاتی از کتاب مستطاب اقدس
- ۵- قسمتی از لوح مبارک حضرت بهاءالله
- ۶- نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء
- ۷- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۸- دنیا نمایی است بی حقیقت و نیستی است به صورت هستی آراسته
- ۹- کمال انسان در چیست ؟
- ۱۰- قسمت هایی از تواقیع حضرت ولی عزیز امرالله
- ۱۱- قصیده جمال مبارک
- ۱۲- شور و پیشنهاد
- ۱۳- برنامه نوگلان بوستان الهی

قسمت اجتماعی

- ۱۴- الفت و پذیرایی
- ۱۵- مناجات خاتمه

۱- آیاتی از حضرت اعلی

"منقطع شو از ما سوی الله و مستغنی شو به خدا از ما دون او و این آیه را تلاوت کن قل الله یکفی کل شیء عن کل شیء و لا یکفی عن الله ربک من شیء لا فی السموات و لا فی الارض و لا ما بینهم انه کان علاماً کافیاً قدیراً . و کفایت الله را موهوم تصور ننموده که آن ایمان تو است در هر ظهوری به مظهر آن ظهور و آن ایمان تو را کفایت می کند از کل ما علی الارض و کل ما علی الارض تو را کفایت نمی کند از ایمان اگر مومن نباشی اگر مومن نباشی شجره حقیقت، امر به افناء تو می کند و اگر مومن باشی کفایت می کند تو را از کل ما علی الارض اگر چه مالک شیء نباشی ."

منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی صص ۸۷-۸۸

۲- مناجات شروع

هو الله

ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا به کلی شیدای تو گردم و دیوانه تو جز تو نخواهم و جز تو نجویم و به غیر از راه تو نیویم و به جز راز تو نگویم مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یا بهاء الابهی.

ع ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء ص ۳۹

۴- آیاتی از کتاب مستطاب اقدس

"قُلْ لَا تَفْرَحُوا بِمَا مَلَکْتُمُوهُ فِي الْعَشِيِّ وَ فِي الْأَشْرَاقِ يَمْلِكُهُ غَيْرُكُمْ كَذَلِكَ يُخَبِّرُكُمُ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ . قُلْ هَلْ رَأَيْتُمْ لِمَا عِنْدَكُمْ مِنْ قَرَارٍ أَوْ وَفَاءٍ لَا وَ نَفْسِي الرَّحْمَنِ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْصِفِينَ . تَمُرُّ أَيَّامٌ حَيَاتِكُمْ كَمَا تَمُرُّ الْأَرْيَاحُ وَ يُطَوِّى بِسَاطِئِ طُؤْيِ بَسَاطِ الْأَوَّلِينَ . تَفَكَّرُوا يَا قَوْمِ أَيْنَ آيَاتُكُمُ الْمَاضِيَةُ وَ أَيْنَ أَعْصَارُكُمْ الْخَالِيَةُ . طُوبَى لِيَّامٍ مَضَّتْ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ لَوَاقَاتٍ صُرِفَتْ فِي ذِكْرِ الْحَكِيمِ . لَا لِعَمْرِي لَا تَبْقَى عِزَّةُ الْأَعْزَاءِ وَ لَا زُخْرُفُ الْأَغْنِيَاءِ وَ لَا سُوكَةُ الْأَشْقِيَاءِ سَيَفْنِي الْكُلُّ بِكَلِمَةٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لَهُوَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْقَدِيرُ . لَا يَنْفَعُ النَّاسَ مَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْأَثَانِ وَ مَا يَنْفَعُهُمْ غَفَلُوا عَنْهُ سَوْفَ يَنْتَبِهُونَ وَ لَا يَجِدُونَ مَا فَاتَ عَنْهُمْ فِي أَيَّامِ رَبِّهِمُ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ لَوْ يَعْرِفُونَ يَنْفَقُونَ مَا عِنْدَهُمْ لِتَذَكَّرَ أَسْمَاؤُهُمْ لَدَى الْعَرْشِ ."

گلزار تعالیم بهایی ص ۳۷۰

بگو شادمان نشوید به آنچه که در صبح و شب مالک گشته اید دیگری مالک آن خواهد شد اینچنین خبر داد شما را خداوند دانا و آگاه. آیا برای آنچه در نزد شما است قرار و یا وفائی می بینید؟ نه قسم به نفس رحمانم اگر اهل انصاف باشید. ایام حیاتتان مانند مرور نسیم می گذرد و بساط عزت شما در هم پیچیده می شود. همانگونه که بساط پیشینیان پیچیده شد. ای قوم تفکر نمائید کجاست ایام و اعصار گذشته شما. خوشا به ایامی که به ذکر الهی گذشت و خوشا به زمانهائی که در ذکر و یاد خداوند حکیم سپری شد. قسم به جانم باقی نمی ماند عزت بزرگان و نه گنج توانگران و نه شوکت دشمنان بزودی همه به کلمه ای از نزد او فانی خواهند شد همانا اوست قادر و عزیز و توانا. نفع نمی رساند مردمان را آنچه در نزدشان است. و هر آینه نفع می رساند ایشان را آنچه از آن غافلند به زودی آگاه می شوند و نمی یابند آنچه را از آنها فوت میشود در ایام خداوند عزیز و ستایش شده اشان. اگر بدانند هر آنچه در نزدشان هست را انفاق می نمایند تا اسمهایشان در نزد خداوند ذکر شود

۶- نصوص مبارکه حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می فرمایند:

"ای دوست دل که محل اسرار باقیه است محل افکار فانیه مکن و سرمایه عمر گرنامه را به اشتغال دنیای فانیه از دست مده. از عالم قدسی، به تراب دل میند و اهل بساط انسی، وطن خاکی میسند." ۱

و نیز می فرمایند قوله تعالی:

" دنیا نمایشی است بی حقیقت و نیستی است به صورت هستی آراسته. دل به او مبندید و از پرورگار خود مگسلید و مباشید از غفلت کنندگان. برآستی می گویم که مثل دنیا مثل سراپست که به صورت آب نماید و صاحبان عطش در طلبش جهد بلیغ نمایند و چون به او رسند بی بهره و بی نصیب مانند و یا صورت معشوقی که از جان و روح عاری مانده و عاشق چون بدو رسد لا یسمن و لا یغنی مشاهده نماید و جز تعب زیاد و حسرت حاصلی نیابد." ۲

و هم چنین می فرمایند:

" مَثَل دنیا مَثَل ظلیست که حینی موجود و حینی مفقود است بر چنین چیزی عاقل دل نبندد بلکه باطل انگارد و چنین گمان مکن که دنیا و مقصود از او نعمت های مقدره در او و یا زینت های متلونه در آنست چه که این اشیاء مصنوع حقد و مظاهر صنع اویند بلکه مرایای ظهور الهیه اند و مظاهر تحکی قدرتیه " ۳

مأخذ :

۵- قسمتی از لوح مبارک حضرت بهاء‌الله

حضرت بهاء‌الله می فرمایند

"مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء به مقامی جوید که هیچ شیء از اشیاء از آن چه در بین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال به آن او را از حب الهی و اشتغال بذكر او محجوب ننماید چنان چه مشهوداً ملاحظه می شود که اکثری از ناس الیوم تمسک به زخارف فانیه و تشبث به اسباب باطله جسته و از نِعَم باقیه و اثمار شجره مبارکه محروم گشته اند اگر چه سالک سُبُل حق به مقامی فائز گردد که جز انقطاع مقامی و مقری ملاحظه ننماید ... باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل به او بوده و این رتبه به هر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد، اوست انقطاع و مبدء و منتهای آن."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۵۴

۳- مناجات دوم

الله ابھی

ای خدای یگانه این بنده خویش را طراز دیباج کینونات فرما و این عبد را در بین ملاء امکان به تاج عبودیت سرفراز کن این بینوا را به صرف عنایت پر نوا فرما و این بی سر و سامان را در پناه خویش سر و سامانی بخش از کاس انقطاع بنوشان و از جام عنایت سر مست نما بنده ضعیف چه تواند و پشه نحیف چه پرواز نماید اوج عزت کجا بال و پر مرغ ذلت کجا ای پروردگار تو تایید فرما تو توفیق بخش انک انت الکریم . ع ع

طراز الهی ص ۲۱۸

هوالله

باز آ و بده جامی این ساقی عطشان را زان ساغر باقی ده این فانی دوران را
این هیکل فانی را بر سوز و برو خندان تا از روزن جان بینم رخساره جانان را
پاکم کن از آرایش دردم ده از آسایش و آنگاه بهم در پیچ این دفتر هجران را
هم نفعه عیسایی هم سدره موسایی نازلله حمزایی کاتش زدی امکان را
...گر پرده براندازی عالم همه بگدازی کار همه بر سازی بر هم زنی ایمان را

شمشیر به کف آمدی ای عشق اینک سر و اینک دل

زخمی زن و محکم زن این عاشق بی جان را

مائده آسمانی ج ۴ ص ۱۸

هوالابهی

ای پروردگار مهربان دوستان را در صون حمایت خویش محفوظ دار و از کم و بیش بیزار کن از کون و امکان و آرایش اکوان
منقطع فرما و به نجات لا مکان زنده و تر و تازه. ع ع

مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء ص ۴۰

"... در آخر مجلس شخصی از حضرت عبدالبهاء پرسید با وجودی که امر به انقطاع از دنیا در الواح الهیه نازل چگونه است که بر هر
نفسی کسب و صنعتی فرض شده آیا این دو ضد هم نیست؟ فرمودند در امر بهاءالله بر هر نفسی اشتغال به صنعت و کسب فرض
است این عین عبادت است اگر با نهایت صداقت و امانت باشد و این سبب ترقی است اما با وجود مشغولیت اگر قلب تقید و تعلقی
به این دنیا نداشته باشد و از حوادث متألّم نگردد. نه با ثروت عالم، از خدمت نوع انسان ممنوع ماند و نه از فقر محزون شود این
کمال انسان است." پیام آسمانی ج ۱ ص ۵۵

" ای بنده الهی کار ما نشر نفعات الهیه است و جانفشانی در راه حق . دستی از آستین بر آر و نقود حیات جاودانی نثار نما. امور دنیوی را باید از برای اهل دنیا گذاشت دست به ذیل هیکل باقی زد . کمر را محکم بر بند و مُلک و مملکت را فراموش نما. لسان به ثنای حق بگشا و داد سخن بده. بعضی نفوس این حیات الهی را فراموش نمایند و در زاویه خمول جای گزینند و شب و روز مشغول آمال و آرزوی دنیوی گردند که عنقریب اسباب خوشی فراهم خواهد آمد و فلان پیش خواهد آمد و فلان پس خواهد رفت و به این، حیات پر بهای خویش را بگذرانند. ما باید در فکر حق باشیم و در صدد اشراق نور مُطلق تا مُلک باقی به دست آریم و سلطنت عالم معانی نماییم. کشور قلوب به دست آریم و اقلیم جان ها را در زیر تسخیر آریم. مملکت تقدیس فتح نماییم و از خطه ابلیس چشم پوشیم. ای یار وفادار کار، این کار است. دعا کن تا خدا ما را و شما را و کل را موفق نماید." ع ع

گلزار تعالیم بهایی صص ۳۸۵-۳۸۴

۱۰- قسمت هایی از تواقیع حضرت ولی عزیز امرالله

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

" ما باید کاملاً منقطع بوده و تابع اراده الهی باشیم چنان که هر روز و هر لحظه تنها به آن چیز عمل کنیم که خدا از ما خواسته است . " ۱

و نیز:

" توصیه حضرت ولی امرالله دائر بر این که وقت خود را بین خدمت به امرالله و مباشرت به سایر کارها تقسیم کنید همانست که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به یاران توصیه فرموده اند میان دو آیه از کتاب اقدس یکی دائر بر این که هر فرد بهایی مکلف است به ترویج امرالله بپردازد و دیگری مُشعر بر این که هر نفسی باید به کاری که به نفع جامعه باشد اشتغال ورزد توافق و سازش وجود دارد . حضرت بهاءالله در یکی از الواح خود می فرماید که الیوم عالی ترین نوع انقطاع آنست که به حرفه ای اشتغال ورزند و مخارج خود را تامین نمایند . بنابراین یک بهایی خوب کسی است که زندگی خود را طوری مرتب نماید که هم احتیاجات مادی خود را مرتفع سازد و هم به خدمت امرالله موفق شود. " ۲

مآخذ :

۱- گلزار تعالیم بهایی ص ۷۷

۲- حیات بهایی ص ۱۳

۸- دنیا نمایی است بی حقیقت و نیستی است به صورت هستی آراسته

در یکی از الواح حضرت بهاءالله حکایتی از دوران کودکی خود که در مراسم ازدواج یکی از برادرانشان در طهران شرکت فرموده بودند، نقل می نمایند. در آن زمان در طهران عادت و رسم چنین بود که هفت شبانه روز جشن می گرفتند. در روز آخر برای سرگرمی و تفریح میهمانان برنامه خیمه شب بازی درباره یکی از سلاطین مشهور اجرا می گردید. حضرت بهاءالله در یکی از اتاق های فوقانی مشرف بر حیاط نشسته و خیمه ای را که برای نمایش آماده شده بود ملاحظه می فرمودند.

ایشان حکایت می کنند که نمایشنامه با ورود چند عروسک کوچک که به شکل انسان ها درست شده بود آغاز گردید که ورود شاه را اعلان می نمودند. بعد چند عروسک دیگر ظاهر شدند که برای ورود شاه بعضی جاروب می زدند و عده ای دیگر آب پاشی می کردند. بعد جارچی وارد صحنه شد و مردم را اخبار نمود که برای ملاقات شاه حاضر شوند. سپس جمعی دیگر ظاهر شدند و در جاهای مناسب خود قرار گرفتند. بالاخره شاه با شکوه و شوکت خود وارد شد. او تاجی بر سر داشت و به کمال جلال و وقار مشی نموده تا بر تخت سلطنت جالس شد. توپ ها شلیک شد و صدای شیپور بلند گردید و دود خیمه را احاطه کرد. وقتی دود محو شد، ملاحظه شد که شاه بر تخت خویش نشسته و وزرا و شاهزادگان و مامورین حکومت در حول او آماده ایستاده اند. در آن حین دزدی را به نزد شاه آوردند و سلطان امر نمود که گردن او را بزنند و میر غضب فوراً اوامر او را اجرا نمود. بعد از اجرای حکم، شاه با وزرا و مامورین خویش به مکالمه پرداخت. ناگهان خبر رسید که فلان سر حدّ یاغی شده اند. فوراً چند فوج برای خاموش نمودن شورش و طغیان اعزام شدند. بعد از چند دقیقه از ورای خیمه صدای شلیک نمودن توپها شنیده شد و اعلان گردید که افواج در حال جنگیدن با یایغان هستند.

بدین گونه نمایش ادامه داشت. حضرت بهاءالله از این نمایش مبهوت و متحیر بودند. بعد از این که نمایش تمام و پرده بسته شد ملاحظه فرمودند که مردی از پشت خیمه بیرون آمد و جعبه ای در زیر بغل داشت. حضرت بهاءالله از او پرسیدند که: "این جعبه چیست و این اسباب چه بوده؟" او جواب داد: "جمع این اسباب منبسطه و اشیای مشهوده و سلطان و امراء و وزراء و جلال و استجلال و قدرت و اقتدار که مشاهده فرمودید الان در این جعبه است." این اظهارات تاثیر عظیمی بر حضرت بهاءالله گذاشت و چنین بیان فرمودند:

"... از آن یوم جمع اسباب دنیا به نظر این غلام مثل آن دستگاه آمده و می آید و ابداً به قدر خردلی وقر نداشته و نخواهد داشت ... عنقریب جمع این اشیاء ظاهره و خزائن مشهوده و زخارف دنیویه و عساکر مصفوفه و البسه مزینه و نفوس متکبره در جعبه قبر تشریف خواهند برد به مثابه همان جعبه. و جمع این جدال و نزاع و افتخارها در نزد اهل بصیرت مثل لعب صبیان بوده و خواهد بود."